

استیفن لیچ و جیمز تارتالیا

معنای زندگی و فلاسفه بزرگ

مترجم: مجتبی پُردل

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور	: معنای زندگی و فلاسفه بزرگ / (ویراستاران) استیفن لیچ، جیمز تارتالیا ؛ مترجم مجتبی پردل.
مشخصات نشر	: مشهد: انتشارات ترانه: دانیال دامون، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص.
شابک	: 978-600-7061-97-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: The Meaning of Life and the Great Philosophers, 2018.
موضوع	: زندگی
موضوع	: Life
موضوع	: معنی (فلسفه)
موضوع	: (Meaning (Philosophy
موضوع	: فیلسوفان
موضوع	: Philosophers
شناسه افزوده	: لیچ، استیون دی، ۱۹۶۳-م، ویراستار
شناسه افزوده	: -Leach, Stephen D., 1963
شناسه افزوده	: تارتالیا، جیمز، ۱۹۷۳-م، ویراستار
شناسه افزوده	: -Tartaglia, James, 1973
شناسه افزوده	: پردل، مجتبی، ۱۳۶۴ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BD ۴۳۱
رده‌بندی دیویی	: ۱۲۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۷۴۸۶۷۰۰

این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Meaning of Life and the Great Philosophers,
Edited by Stephen Leach & James Tartaglia
Routledge, 2018

www.ketab.ir



انتشارات ترانه

معنای زندگی و فلاسفه بزرگ

استیفن لیچ و جیمز تارتالیا

ترجمه: مجتبی پُردل

ناشر همکار: دانیال دامون

چاپ اول: ۱۴۰۰، شمارگان ۱۰۰۰ جلد

۶۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی نیکو

صفحه آرای: رحمان اسدی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۹۷-۸ ISBN: 978 - 600-7061-97-8

کلیه حقوق برای انتشارات ترانه محفوظ است.

مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب - تلفاکس ۳۲۲۸۳۱۱۰

فہرست

۷	 مقدمہ
۱۳	۱- کنفوسیوس و معنای زندگی: ریچارد کیم و جاشوا دلیو سیچریس
۲۹	۲- بودا و معنای زندگی: مارک سیدریٹس
۴۵	۳- سقراط و معنای زندگی: ای. سی. کرلینگ
۵۷	۴- افلاطون و معنای زندگی: دیوید اسکرینا
۷۳	۵- دیوژن و معنای زندگی: ویل دزموند
۸۹	۶- ارسطو و معنای زندگی: مونت رٹسوم جانسون
۱۰۵	۷- سکستوس امپیریکوس و معنای زندگی: اسواوار ہرافن اسواوارسون
۱۲۱	۸- آکوئیناس و معنای زندگی: ادوارد فز
۱۳۵	۹- مونتنی و معنای زندگی: سٹیفن لیچ
۱۴۹	۱۰- دکارت و معنای زندگی: جان کاسیہام
۱۶۵	۱۱- اسپینوزا و معنای زندگی: جینیو لوید
۱۷۷	۱۲- کانت و معنای زندگی: تری اف. گادلاو
۱۹۱	۱۳- شوپنہاور و معنای زندگی: رابرٹ ویکس
۲۰۷	۱۴- کی پرکھ گارد و معنای زندگی: مارک برنی پر
۲۲۱	۱۵- نیچے و معنای زندگی: ریموند انجلو بلیوٹی
۲۳۷	۱۶- مارکس و معنای زندگی: امی ای. وندلینگ
۲۵۱	۱۷- میل و معنای زندگی: فرانس اِسونسون
۲۶۵	۱۸- ہایدگر و معنای زندگی: وِندل اوبراین
۲۸۱	۱۹- کامو و معنای زندگی: ویلیام مک براید
۲۹۳	۲۰- وی و معنای زندگی: لیسا مک کالو
۳۰۳	۲۱- مرداک و معنای زندگی: بریجت کلارک
۳۱۹	۲۲- اورتگا و معنای زندگی: پدرو ولاس گونزالس
۳۳۳	۲۳- فانون و معنای زندگی: سمونل ایمبو

مقدمه

معنای زندگی چیست؟ بسیاری از افراد در مقطعی در طول زندگی این سؤال را از خود می‌پرسند. با سر زدن به تارنمای ExcellenceReporter.com می‌توانید ببینید بیش از ۸۰۰ تن متفکر، از تمامی قشرهای مختلف جامعه امروزی، در مورد معنای زندگی چه فکر می‌کنند. اما اگرچه افراد بسیار مختلفی به این موضوع علاقه‌مندند، و چه بسا بینش‌های ارزشمندی نیز با خود به همراه بیاورند، با این‌همه اگر قشر خاصی وجود داشته باشد که انتظار برود پاسخ‌های به‌ویژه قدرتمندی از آن‌ها بشنویم، این قشر فلاسفه هستند. از هر چیز بگذریم، بین پرسشی فلسفی است. لذا اگر داشتن سنت‌های فلسفی در جهان‌مان سودی در برداشته باشد، آن بی‌گمان روشن‌ترین مباحث پرسش‌هایی مانند این است.

با این‌همه، برخی از افراد هم نسبت به این پرسش بدگمان‌اند، و هم نسبت به توانایی فلسفه برای پاسخ‌دادن. عقل‌باوران علمی سرسختی هستند که فکر می‌کنند بهترین پاسخ‌ها همواره علمی هستند، و متفکران مذهبی دواشه‌ای نیز هستند که خواهان آن‌اند تا ایمان این نوع پرسش‌های فلسفی را ملغی سازد. اما آن‌ها می‌بایستی دریابند که با ابراز چنین دیدگاه‌هایی، به قلب قلمرو فلسفی پا گذاشته‌اند. برای آن‌که ما را متقاعد سازند که پرسش مزبور نابه‌جا و غیرموجه است، می‌بایستی استدلالی فلسفی بیاورند که از تمامی استدلال‌هایی که در سرتاسر تاریخ فلسفه در مورد این پرسش اقامه شده است مجاب‌کننده‌تر باشد؛ استدلالی که تا اندازه بسیاری باعث می‌شود این‌طور به نظر برسد که گویی پرسیدن سؤال مزبور امر کاملاً معقولی است - پرسشی که بسیاری پاسخ‌های معقول می‌توان برایش به دست داد، هرچند گهگاه نسبتاً گمانه‌زنانه‌اند. از آن‌جا که این پرسش مظهر تمامی پرسش‌های فلسفی است، و از آن‌جا که بزرگان

شناخته شده بسیاری مطالب نو و بدیعی درباره آن گفته اند، هم از این رو حقیقت مایه تعجب بود چنانچه این پرسش پرسشی راستین، پرسشی حاکی از موضوعاتی راستین و حقیقی، نمی بود. و از آنجا که افراد بسیاری هنوز نیز این سؤال را می پرسند، و بدیهی است که برای گرفتن پاسخ به فلسفه روی می آورند، هم از این رو پاسخ های مزبور می بایستی به طور قطع منبع عالی بالقوه ای برای پرورش علاقه مندی به فلسفه باشند.

با این همه، هنوز کاری مانده که می بایستی انجام داد و آن هم این که پاسخ هایی را که فلاسفه بزرگ داده اند جدا سازیم، با توجه به این که تعداد بسیار کمی از آن ها مطالبی گفته اند که به زحمت به پایه این گفته برسند: «فکر می کنم معنای زندگی فلان و فلان است.» عبارت حقیقی «معنای زندگی» صرف در سده نوزدهم بود که رواج گسترده پیدا کرد. با این همه، مدت ها پیش از آن که باب شود، موضوعاتی که اکنون «معنای زندگی» بی درنگ القا می کنند به طور قطع مورد بحث قرار می گرفتند. آن چه کوشش برای خلاصه کردن نکات برجسته این بحث را با مشکل مواجه می کند این است که حتی پس از آن که این برجسته استانده و معیار در فرهنگ مان جا افتاد، موضوعاتی که بدان اشاره دارد نوعاً لایه لای چنان دغدغه های پر شمار دیگر، و دلیل چنان گستره وسیعی از اصطلاحات گوناگون، مورد بحث قرار می گرفتند، که گهگاه به هیچ وجه روشن نیست دیدگاه های یک فیلسوف خاص در این حوزه چه هستند. حتی هایدگر، که به نحوی مستدل بیش از هر کس دیگری کوشید تا این موضوع را در طرح و نقشه فلسفه سده بیستم استوار سازد، ترجیح می داد از «معنای هستی» سخن بگوید و نه «معنای زندگی»؛ و وی به طور قطع هیچ گفته روشن و موجزی درباره آن چه فکر می کرد معنای هستی است ایراد نکرد.

وظیفه تدوین و تقویت تاریخ گنجینه نظرات فلسفی در باب معنای زندگی به خاطر پیدایش عقل باوری علمی دو آتشه در فلسفه انگلیسی زبان (آنکلو فون) به تأخیر افتاد. از آنجا که این موضوع به لحاظ پارادایمی (سرمشقی) از نظر پوزیتیویست های منطقی، و نیز کسانی که تحت تأثیر و نفوذ گسترده آن ها قرار

گرفته بودند، غیر علمی می نمود. لذا رفته رفته به کناری نهاده شد. اما چنان که به نظر می رسد هر کس دیگری جدای از عقل باوران علمی دواشه می داند، علم قادر نیست به هر پرسشی که برای ما جالب است پاسخ دهد. پرسش هایی وجود دارند که می توانیم درباره وجودمان بپرسیم - نظیر پرسش مربوط به معنای زندگی - که علم برای پرداختن به آنها مطلقاً فاقد ساز و برگ لازم است. عین همین مطلب را می توان در مورد پرسش های بی شمار دیگری گفت که ممکن است در طول زندگی ذهن مان را به خود مشغول بدارند. نظیر پرسش های مربوط به روابط شخصی یا حرفه هایمان؛ پرسش های مربوط به این که چگونه موج بعدی نوآوری های تکنولوژیک بر ما تأثیر خواهند گذاشت؛ پرسش های مربوط جایگاه علم در فهم انسانی؛ و یا پرسش های مربوط به این موضوع که آیا اصلاً واقعیتی وجود دارد یا خیر.

البته همه می توانند پرسش های فلسفی بپرسند، و برخی ممکن است بتوانند به گونه ای مفید با دانش و معرفت علمی برای پاسخ بدانها استفاده کنند؛ اما اینها همچنان پرسش هایی فلسفی هستند عزل نظر از این که چه کسی آنها را می پرسد یا می کوشد تا بدانها پاسخ دهد - «فلسفی» دقیقاً برجسی است که به پرسش هایی نظیر پرسش مربوط به معنای زندگی داده شده است. چه بسا عقل باوری علمی دواشه ما را بر آن دارد تا این طور فکر کنیم که این پرسش ها چنانچه علم نتواند بدانها پردازد جعلی و کاذب اند؛ یا آن که اگر چنین پرسش هایی حاکی از موضوعات موجه و به جایی هستند، در این صورت می بایستی موضوعاتی باشند که علم حقیقتاً می تواند مورد بررسی قرار دهد. اما از آنجا عقل باوری علمی دواشه خود بر پایه فلسفه ای مناقشه آمیز استوار است، هم از این رو نمی بایستی بدان اجازه دهیم تا ما را از علاقه مند شدن به معنای زندگی منحرف سازد. دغدغه های مربوط به موجه بودن این پرسش تنها زمانی می بایستی مورد توجه قرار بگیرند که فلسفه نهفته در پس پشت آنها به اندازه کافی خوب و نیرومند باشد، هم از این رو، تا وقتی فلسفه مزبور آشکارا به اندازه کافی خوب و نیرومند نباشد - که از نظر ما نیست - این دغدغه ها

نمی‌بایستی در اولویت قرار داشته باشند. این واقعیت که در مورد علم آب و هوا (اقلیم‌شناسی) شک و تردید وجود دارد بدان معنا نیست که کسانی که به حرف‌هایی که این علم برای گفتن دارد علاقه‌مندند می‌بایستی ابتدا شک و تردید مزبور را مورد بررسی قرار دهند. چه ممکن است آمادگی آن را داشته باشیم که فرض بگیریم علم مزبور خوب و نیرومند است؛ و به نحوی مشابه، در مورد معنای زندگی نیز ممکن است حاضر باشیم فرض بگیریم که فلسفه نهفته در پس پشت آن خوب و نیرومند است.

همچنان‌که سده بیستم به اتمام می‌رسید، و روزگار اوج پوزیتیویسم به خاطره‌ای دور تبدیل می‌شد، گروه کوچک بالنده‌ای از فلاسفه انگلیسی‌زبان آماده آن شده بودند تا به کار بر روی این فرض پردازند که، دست‌کم، پرسش‌های فلسفی خوبی در حوزه مزبور وجود دارد. به مرور زمان، معنای زندگی رفته رفته این‌طور می‌نمود که آماده بازگشت به عرصه فلسفه است؛ اتفاقی که عملاً در دو دهه اخیر به وقوع پیوست، در درجه نخست به برکت کار سوزان وولف و تادئوس مگر با پذیرش فعالانه عبارت «معنای زندگی» عدم امکان نادیده انگاشتن ندارد. فصل و نیت‌شان را تضمین ساختند. با این‌همه، آنچه مباحثه بر سر معنای زندگی تاکنون کم داشته گونه‌ای تاریخچه راهنماست؛ [در صورت عدم وجود چنین تاریخچه‌ای] مجادلات و مباحثات مزبور در معرض این خطر قرار دارند که وظایف متعددی مشابه ابداع دوباره چرخ را بر خود تحمیل سازند. یکی از یاورهای موجود به وظیفه مستندسازی تاریخی پرسش مربوط به معنای زندگی برای نسل‌های جدید اثر جولیان یانگ موسوم به *مرگ خدا و معنای زندگی* بوده است. کتابی که نشان می‌دهد چه‌سان می‌توان دیدگاه‌های تلخ و متمایزی را در باب معنای زندگی در عمده‌تأ، فلسفه قاره‌ای سده‌های نوزدهم و بیستم یافت. مجلد حاضر مسیر مشابهی را دنبال می‌کند اما تور خود را پهن‌تر و فراخ‌تر می‌اندازد. برای نمونه، کتاب حاضر، شامل مقایسه‌ای متز درباره کوهلیت نیز می‌شود، که به یکی از

تأثیر گذارترین تأملات جهان در باب معنای زندگی می پردازد: کتاب جامعه در کتاب مقدس.

بدین سان، وظیفه ما این بود تا درباره آن چه فلاسفه بزرگ در باب معنای زندگی گفته اند بیشتر بدانیم و کتابی پدید بیاوریم که کار کسانی را که در این علاقه با ما انباز هستند ساده تر سازد. هدف از این کتاب همچنین آن است تا عرصه ای برای نویسندگان مان فراهم بیاورد تا دیدگاه هایی را در این حوزه آشکار سازند که پوشیده و پنهان یا نادیده انگاشته شده اند، و به بررسی موشکافانه استدلال هایی کهن پردازند که هنوز نیز از قدرت و نفوذ برخوردارند. برای این کار، البته لازم بود تا متخبی از فلاسفه بزرگ را برگزینیم، و به خاطر دلایل عملی و کاملاً معقول، کارمان را به بیست و هشت مقاله محدود کردیم. فیلسوفان منتخب ما - که بدون شک وقتی فهرست مورد نظرمان را تهیه کردیم خود پیشاپیش بسیار مجادله انگیز بودند - به خاطر این واقعیت نیز بیش از پیش محدود و اتفاقی شدند که، به نحوی تقریباً جتناب ناپذیر، همه کسانی که برای نوشتن مقاله از آن ها دعوت به عمل آوردیم حاضر به پذیرش این کار نشدند. بیشترشان پذیرفتند، اما هنوز فلاسفه بزرگ بسیاری وجود دارند که دوست داشتیم در این مجلد حضور داشتند؛ بوئتیوس، اسکال. فیشته، راسل، اشتاین و نازیک نمونه هایی هستند که می توان از آن ها نام برد. با این همه، از گزیده حاضر خرسند، و - مهم تر و معنادارتر آن که - از کیفیت آن خوشحالیم: به نظر می رسد نویسندگان مدعو همگی با اشتیاق این چالش را پذیرفته اند. فکر می کنیم که نتیجه حاصل منبعی غنی و بدیع از گفته های روشن و ساده فهم درباره دیدگاه های مربوط به معنای زندگی است که زاده ای از فلاسفه فقید بزرگ سیاره زمین بدان ها باور داشته اند. حداقل آن که این کتابی است که ما دوست داشتیم بخوانیم. امیدواریم همان چیزی نیز باشد که شما منتظرش هستید.